



Qur'anic Exegetes and the Methods of the Spiritual Education's Custodians; A Religious Studies Approach

Isa Isazadeh* | Yaser Abouzadeh Gatabi**

Received: 2021/6/22 | **Correction:** 2022/3/5 | **Accepted:** 2022/3/5 | **Published:** 1400/07/25

Abstract

Education is one of the most crucial goals and concerns of the religions, which has been heeded by divine books such as the Qur'an and Old Testament. Thus, it has been carefully pursued by the Qur'anic exegetes in both Shi'ite and Sunni schools. According to religious teachings, God and His prophets, as the main custodians of human training, have tried to religiously educate the people in various ways. The present article has endeavored to introduce these custodians through a descriptive-analytical method, considering the Qur'anic exegetes' viewpoints from the two Sunni and Shi'ite schools. In the following and by pointing out their educational methods, it has analyzed and evaluated these two groups' manners, taking a religious studies approach. As the results of the conducted studies, while examining the viewpoints of both schools' exegetes, as well as the texts of the Qur'an and Old Testament, it can be noted that God and His prophets have been introduced as the main custodians of religious education in both traditions. In addition, both traditions are common in conveying the methods of religious education. However, there are some notable differences. The Qur'an mentions the spiritual education's custodians as uswa (good example) ones, while the Old Testament, on the contrary, has even attributed some discreditable mistakes to them. Moreover, in the Qur'anic accounts, God and His prophets have taken care of the resurrection and the divine rewards and punishments more than in the Old Testament. It can be thus concluded that the methods of religious education in the Qur'an are richer and more comprehensive than those mentioned in the Old Testament.



Keywords: Qur'an, Old Testament, God, prophets, religious education, Qur'anic exegetes, religious education

* Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qum, Iran | e.eisazadeh@isc.ac.ir

** Ph.D. Candidate, Department of Religious Studies, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qum, Iran | y.a.g@mail.ir

□ Isazadeh, I.; . (2022) Qur'anic Exegetes and the Methods of the Spiritual Education's Custodians; A Religious Studies Approach. *Comparative Interpretation Research*, 8 (15) 184-214 . Doi: 10.22091/PTT.2022.6402.1895.

روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیان

عیسیٰ عیسیٰزاده * | یاسر ابوزاده گتابی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده

تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های ادیان الهی بوده که مفسران فریقین بدان توجه داشته‌اند و در کتاب‌های آسمانی چون: قرآن و عهد عتیق نیز به آن اشاره شده است. خداوند و پیامبران به عنوان متولیان اصلی در تربیت بشر، با روش‌هایی سعی در تربیت دینی مردم داشته‌اند. این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی و با بهره جستن از آراء مفسران فریقین، این متولیان را معرفی کرده و در ادامه با بر Sherman روش‌های تربیتی آنان، به تحلیل و ارزیابی روش‌های این دو گروه با رویکرد ادیانی پرداخته است. با بررسی آراء مفسران فریقین و متن عهد عتیق می‌توان به این یافته‌ها اشاره کرد که گرچه تقریباً خداوند و انبیاء، متولیان تربیت در ادیان آسمانی معرفی شده و در آراء روش‌های تربیت دینی مشترکند، از متولیان تربیت دینی در قرآن کریم با تعبیر اسوه دینی یاد می‌شود، درحالی که در عهد عتیق این گونه نیست و حتی اشتباهاتی از انبیا را مطرح ساخته‌اند. علاوه بر این، خداوند و انبیاء در قرآن، به قیامت و پاداش و عذاب الهی بیش از عهد عتیق عنایت داشته‌اند و روش‌های تربیتی در قرآن، جامع‌تر و غنی‌تر از روش‌های یادشده در عهد عتیق است.



واژگان کلیدی: تربیت دینی، خداوند، انبیاء، قرآن، مفسران فریقین، عهد عتیق.

* استادیار، کلام اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول) | e.eisazadeh@isca.ac.ir

** دانشجوی دکتری ادیان، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی | y.a.g@mail.ir

□ عیسیٰزاده، عیسیٰ؛ ابوزاده گتابی، یاسر. (۱۴۰۱). روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فریقین با رویکرد ادیان،

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸، (۱۵)، ۱۸۴-۲۱۴. Doi: 10.22091/PTT.2022.6402.1895

بیان مسئله

در طول تاریخ و در گذر زمان، پرداختن به مسئله تعلیم و تربیت انسان‌ها، از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های ادیان الهی بوده است. شاهد این مدعای تعالیمی است که در کتاب‌های مقدس ادیان مختلف درباره مسئله تربیت وجود دارد. البته مسئله تربیت خود به اقسام متعددی چون: تربیت عقلی، معنوی و عبادی، جسمی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی تقسیم می‌شود که در این نوشتار، تلاش شده است تا به مقوله تربیت دینی از منظر مفسران فرقیین با رویکرد ادیانی پرداخته شود. علت نخست این نکته را می‌توان در ماهیت ادیانی مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت یافت؛ چراکه امروزه این ادیان، از جمله ادیان معتبر و پرطرف‌دار در عالم محسوب می‌شوند. لذا بدیهی است به این نکته پردازیم که این ادیان چه افرادی را به عنوان متولی امر تربیت دینی معرفی نموده و از چه روش‌هایی در امر تربیت استفاده کرده‌اند.

دلیل دیگر این امر درواقع همان ضرورت تربیت دینی است؛ زیرا از طرفی بر مبنای آیات الهی، شیطان به عنوان دشمن قسم خورده انسان، تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا او را از مسیر حق جدا ساخته، به گناه کشاند و درنهایت موجبات بداعاقبتی وی را فراهم آورد (سوره حجر، آیه ۳۹-۴۱) و از سوی دیگر و بر مبنای آیات و روایات، مانند روایت نبوی «اعدی عدوک نفسک» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۱۸)، نفس انسان به عنوان مهم‌ترین دشمن انسان، ممکن است موجبات گمراهی او را به همراه آورد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۴، ح ۱۸۴۸)؛ درنتیجه هم برای کنترل نفس و هم برای در امان ماندن از وسوسه‌های شیطانی، نیاز است تا بشر دسته‌ای از مسائلی را که به صلاح اوست آموزش بینند. با بررسی‌های انجام شده، مقاله و یا کتابی پژوهشی در مورد روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فرقیین با رویکرد ادیانی در کتابخانه‌ها، تارنماها، پایان‌نامه‌ها و...، یافت نشده است.

روش‌شناسی

از آن جا که تحقیق پیش رو، به بررسی روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فرقیین با رویکرد ادیانی می‌پردازد، در زمرة تحقیق‌های کیفی جا می‌گیرد و از آن نظر که

روش‌های متولیان تربیت دینی از منظر مفسران فرقیین با رویکرد ادیانی را توصیف می‌کند، در زمرة تحقیق‌های توصیفی قرار می‌گیرد. این پژوهش، در صدد پاسخ دادن به سؤال پژوهشی است و چون روش کیفی، مناسب‌ترین ابزار را برای پاسخ‌دهی به سؤالات به دست می‌دهد، از روش کیفی استفاده می‌شود. روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که در دهه اخیر بسیار از آن استفاده شده است. محقق در این روش، می‌کوشد تا از طریق مطالعه اسناد مکتوب و منابع موجود، به داده‌هایی برای پاسخ‌گویی به سؤال خویش دست یابد.

مفهوم شناسی تربیت

واژه تربیت در ادبیات اسلامی، از ماده "ربو" گرفته شده که عمدتاً به معنای پروراندن و گرداندن پی‌درپی چیزی تا حد نهایت آن است (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۰). در اصطلاح نیز به معنای فراهم آوردن زمینه لازم برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه در جهت کمال اوست (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۷۵؛ مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۳؛ کیومرثی، ۱۳۸۶، ص ۸). حال سؤال این است که آیا عقل انسان و علم بشری می‌تواند در این امور یاری‌رسان باشد؟

در پاسخ به این مسئله باید گفت: درست است که عقل توانایی دارد به برخی از نیازهای انسان پاسخ گوید، ولی دسته‌ای از امور وجود دارد که عقل را یارای رسیدن به آن نیست. به تعبیر آیت‌الله مصباح، آن‌چه ما راهی برای شناخت آن نداریم، مصالح اخروی است؛ یعنی راهی نداریم که ببینیم اگر در دنیا کار را انجام دهیم، چه سعادت و یا شقاوتی به بار می‌آورد (مصطفایی، ۱۳۷۹، ص ۵۴)؛ از این‌رو، نیاز است تا انسان برای پاسخ‌گویی به این مسائل و درواقع تکامل همه‌جانبه، به سراغ دین رود و در سایه نصرت‌های الهی، تربیت یابد.

یکی از روش‌های اصلی تربیت دینی در ادیان الهی، تأسی به الگوهای شایسته‌ای است که کتاب‌های مقدس از آن‌ها یاد کرده‌اند؛ زیرا افراد با تأسی به این متولیان و الگوهای موجبات تعالیٰ اخلاقی، اجتماعی، دینی و عقلانی خویش را فراهم می‌سازند. در عهدت عتیق خدا، انبیاء، خانواده، روحانیان و حاکمان، به عنوان متولیان اصلی تربیت دینی به شمار می‌روند (نک. امثال

سلیمان ۲۲: ۶؛ تنبیه ۶: ۷-۵؛ جامعه ۱۲: ۹؛ مزامیر ۵۱: ۱۰-۱۳؛ اول پادشاهان ۲: ۴-۲؛ ملاکی ۲: ۷؛ اعداد ۱۸: ۱۵) و در قرآن کریم خداوند، انبیا، ائمه، علماء، حاکمان و خانواده، عمدۀ ترین متولیان برای تربیت دینی هستند (نک. رستمی‌زاده، ۱۳۶۹، ش ۹۶، ص ۱۲). از میان تمام این متولیان نیز خداوند و انبیا در رتبه‌های نخست قرار دارند؛ از این‌رو این نوشتار، در صدد است تا با بررسی آیات مقدس، روش‌هایی را که این الگوها برای تربیت دینی در پیش گرفته‌اند، شناسایی و ارزیابی کند. این نوشتار برای بررسی این متولیان و روش‌های تربیتی آنان، تمام تلاش خود را نموده تا حد امکان، به آیاتی استناد دهد که ارتباط مستقیم با مسئله تربیت دینی داشته باشند. از این‌رو، به بسیاری از آیات قرآنی که در آن‌ها تعابیری چون "قل" و خطاب به انبیا آمده، توجه نگردید تا صداقت علمی مراعات گردد.

گرچه مقالات و آثار چندی درباره بررسی تطبیقی تربیت دینی از منظر مفسران وجود دارد، گمان نویسنده‌گان مقاله بر این است که نوشه حاضر با توجه به فاکتور ذکر شده با رویکرد ادیانی در قیاس با سایر نوشه‌هایی که در موضوع تربیت دینی گردآوری شده‌اند، رویکردی نو داشته و تاکنون چنین پژوهشی صورت نگرفته است.

الف) متولیان تربیت دینی در قرآن کریم و عهد عتیق

۱. خدا در قرآن

در قرآن کریم، نخستین متولی در تربیت دینی همه انسان‌ها، همان خدای یگانه‌ای است که خالق همه موجودات است و ویژگی‌های متعددی هم چون: بخشندۀ و مهربان بودن، قهار بودن، منقّم بودن، سمعی و بصیر بودن و... دارد. با توجه به این که از نگاه مسلمانان، تمام قرآن کریم را خداوند نازل فرموده، کلام و بیان الهی محسوب می‌شود. از آن جا که خداوند دغدغه سعادت انسان‌ها را دارد، در کتابش با روش‌های متعددی به تربیت دینی انسان‌ها پرداخته است. بر همین اساس، خداوند مقام ربوبیتش را در حدود هزار آیه، با کلمه مقدس «رب» به بندگانش گوشزد فرموده که مربی بودن خداوند، یکی از اقتضایات این مقام است؛ لذا خداوند با روش‌های ذیل به تربیت انسان می‌پردازد:

۱- روش موعظه و سفارش

استفاده از موعظه و سفارش، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی انسان‌هاست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگار تان برای شما آمده است و درمانی برای آن‌چه در سینه‌هاست». (سوره یونس، آیه ۵۷)

از این‌رو خداوند با بیانات مختلفی به موعظه و سفارش می‌پردازد. بنا بر نظر زمخشری مفسر اهل سنت، مراد از موعظه در آیه، قرآن است که مشتمل بر مواعظ و توصیه‌های توحیدی است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲ ص ۳۵۲). مراد از موعظه، بیان آن چیزهایی است که حذر کردن از آن‌ها لازم و یا رغبت در آن‌ها واجب است و برخی گفته‌اند: موعظه عبارت است از آن‌چه انسان را به صلاح و درستی دعوت کند و از فساد و بدبختی بازدارد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵ ص ۱۷۷)

خداوند در دسته‌ای دیگر از آیات، به استفاده از موعظه نیکو برای دعوت به خداوند توصیه می‌فرماید (سوره نحل، آیه ۱۲۵؛ سوره یونس، آیه ۵۷). هم‌چنین خداوند، قرآن را به مثابه موعظه‌ای برای پرهیز کاران معرفی کرده (سوره آل عمران، آیه ۱۳۸) و اخبار پیشینیان (سوره نور، آیه ۳۸) و فرستادن انبیا و کتب آن‌ها را به مثابه موعظه‌ای برای اهل تقوا می‌داند (سوره مائدہ، آیه ۴۶). ابن عاشور ذیل آیه ۱۲۵ سوره نحل درباره معنای موعظه گفته است: «موعظه کلامی است که نفس شنونده را بر انجام دادن کار خیر نرم می‌کند». (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۳ ص ۲۶۳)

۲- اندار و تبشير

خداوند تبارک و تعالی در آیاتی از قرآن کریم، در مقام تربیت انسان‌ها، به تبشير و اندار آن‌ها می‌پردازند. واژه اندار در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است و حقیقت آن این است که کسی را هشداری دهنده که مایه ترس او شود؛ چنان‌که تبشير، خبری است که سبب شادی مخاطب گردد (راغب، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۸۷). در منابع تفسیری، به "خَوْفٌ" یا "رُوْعٌ" به معنای "بترسان" تفسیر شده است. (تسنی، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۱۵)

۱-۲-۱-تبشیر

بشارت دادن به انسان‌ها، از راه کارهای خداوند در قرآن برای تربیت بشر است؛ برای مثال، خداوند در وحی به حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) به آن‌ها بشارت می‌دهد که در صورت تبعیت از خداوند، پیروزی نهایی بر کفار از آن آن‌ها خواهد بود (سوره یونس، آیه ۸۷). هم‌چنین خداوند به آنانی که اهل تقوا باشند، بشارت به بهشت می‌دهد (سوره زمر، آیه ۲۰) و به آنانی که از عذاب الهی بیناک باشند، وعده موفقیت در امور زندگی می‌دهد (سوره ابراهیم، آیه ۱۴). دعوت به قرائت قرآن کریم و عمل به آن، به عنوان کتابی مبشر و منذر، یکی دیگر از بشارت‌های خداوند محسوب می‌گردد (سوره فصلت، آیه ۴). یکی از نکات موردن توجه درباره به کارگیری روش تبشیر و انذار در قرآن، تقدم و تأخیر این دو روش در قرآن است. در بیشتر موارد، تبشیر از انذار پیشی گرفته است. به نظر فخر رازی، دلیل این تقدم آن است که بشارت، مجرای حفظ سلامت و انذار، جاری مجرای ازاله مرض و از بین بردن بیماری است؛ پس بی‌شک هدف و مقصد اصلی، حفظ سلامت است نه از بین بردن بیماری؛ بنابراین لازم است در بیان، بشارت مقدم گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۰)

۱-۲-۲-انذار

مراد از انذار - همان‌گونه که در کتاب *اقرب الموارد* آمده - به معنای آگاه نمودن به امری، از آن پرهیز دادن و خود را برای آن آماده ساختن آمده است (شرطوتی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۷۸). خداوند تبارک و تعالی در آیاتی، علاوه بر این که به انبیا دستور می‌دهد مردم را انذار نمایند (سوره نوح، آیه ۱-۴۳؛ سوره طه، آیه ۱۶)، خود نیز به انسان‌ها هشدار می‌دهد که شیطان دشمن آن‌هاست (سوره طه، آیه ۱۱۷)؛ درنتیجه پیروی از شیطان و دوری از خدا به همراه تبعیت از غیر مؤمنان، سختی در زندگی را به همراه خواهد داشت (سوره طه، آیه ۱۲۴) و مرگی عذاب آور را به دنبال دارد (سوره غاشیه، آیه ۲۱-۲۳) و غفلت از آخرت (سوره روم، آیه ۷) و تکذیب آیات الهی (سوره اعراف، آیه ۱۴۶)، هلاکت و نابودی (سوره اعراف، آیه ۱۷۹) و عذاب در قیامت (سوره زمر، آیه ۱۶) را به دنبال خواهد داشت.

از طرف دیگر، خداوند با معرفی بنی اسرائیل به عنوان نمونه‌ای از مردم، به آن‌ها هشدار می‌دهد که از زیاده‌روی در دین، غلو نمودن در آموزه‌های دینی و پیروی از گمراهان دوری کنید (سوره مائدہ، آیه ۷۷) و در جایی دیگر به مسیحیان نیز هشدار داده است (سوره مائدہ، آیه ۴۷). فخر رازی درباره دلیل تقدم انذار بر تبییر در بعضی موارد می‌گوید:

«از آن جا که پاکسازی چیزی بیش از آراستن آن است، ناشایست بر کارهای شایسته تقدم دارد. در این آیات انذار بر تبییر پیشی گرفته است.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۱۶)

۳-۱- داستان

بیان داستان و اشاره به سرگذشت پیشینیان، یکی دیگر از روش‌هایی است که خداوند در قرآن کریم به منظور تربیت دینی بشر از آن استفاده نموده است. البته خداوند با بیان این که این داستان‌ها حق هستند و حقیقت تاریخی دارند (سوره‌های آل عمران، آیه ۶۲؛ اعراف، آیه ۳۵؛ یوسف، آیه ۱۱۱ و کهف، آیه ۱۳)، به دنبال این است تا بشر با عبرت گرفتن از آنان (سوره‌های طه، آیه ۱۲۸؛ یس، آیه ۳۱ و بقره، آیه ۶۶)، بسیاری از نکات اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان بیاموزد و به طمأنیه و آرامش قلبی دست یابد و هم‌چنین حق برای او آشکار شود (سوره‌های هود، آیه ۱۲۰ و اعراف، آیه ۱۷۶)؛ برای نمونه، می‌توان به داستان هابیل و قabil (سوره مائدہ، آیه ۲۹-۲۷)، داستان قوم بنی اسرائیل (سوره بقره، آیه ۲۴۷-۲۴۶) و داستان حضرت ابراهیم (سوره مریم، آیات ۴۱-۴۸) اشاره نمود. هم‌چنین چندین سوره، به نام‌های انبیا و افراد صالحی هم چون: اصحاب کهف، حضرت مریم (س) و لقمان حکیم نام‌گذاری شده و به سرگذشت آنان اشاره گردیده است.

۴-۱- استفاده از تمثیل

خداوند در قرآن کریم، نکات مهمی را با هدف تربیت دینی در قالب تمثیل بیان فرموده است؛ برای مثال درباره قرآن و نقش مهم آن در تربیت انسان بیان می‌کند که اگر قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، آن کوه در برابر آن خاشع می‌شد و از خوف خدا می‌شکافت (سوره حشر، آیه ۲۱). در جایی دیگر، کسانی را که تسليم خدا باشند، همانند فردی دانسته که به

دستگیره محکمی چنگ زده است (سوره لقمان، آیه ۲۲). نیز خطاب به کسانی که حق کتاب مقدسشان را ادا نکرده، درنتیجه چیزی از آن را نمی‌فهمند، مثل درازگوشی دانسته که صرفاً یک سری کتاب را با خود حمل می‌کنند. (سوره جمعه، آیه ۵)

۱-۵- معرفی اسوه

خداآوند در قرآن کریم، از سوئی با برشمودن نام برخی از انبیا مانند ابراهیم (ع) (سوره‌های احزاب، آیه ۲۱؛ نحل، آیه ۱۲۰ و ممتحنه، آیه ۴)، اسحاق (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۶)، لوط (ع) (سوره انعام، آیه ۸۶)، یعقوب (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۲)، اسماعیل (ع) (سوره کهف، آیه ۱۳)، داود (ع) (سوره ص، آیه ۱۷) و حضرت محمد (ص) (سوره‌های صافات، آیه ۱۰۱-۱۰۲ و احزاب، آیه ۲۱)، از آن‌ها با عنوان اسوه تقوا و دین‌داری نام می‌برد. از سوی دیگر با ستایش از اصحاب کهف، آنان را الگوهایی یاد می‌کند که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند (سوره کهف، آیات ۹-۲۶). در آیاتی نیز خداوند از انتخاب افراد گمراه به عنوان دوست و الگو که در نهایت موجب بدبهختی انسان خواهد شد، هشدار می‌دهد. (سوره‌های فرقان، آیه ۲۸-۴۲ و هود، آیات ۴۲-۴۶)

۱-۶- تشویق

تشویق به تفکر در پدیده‌ها و موجودات دنیایی، یکی از شیوه‌هایی است که انسان را در شناخت بیشتر خالق خود نزدیک می‌سازد؛ شیوه‌ای که خداوند در قرآن کریم بسیار از آن استفاده نموده است (سوره‌های آل عمران، آیه ۱۹۱؛ رعد، آیه ۳؛ نحل، آیات ۱۰-۱۱ و ۶۸-۶۹؛ غاشیه، آیات ۱۷-۲۰؛ نبأ، آیات ۶-۱۶؛ فاطر، آیه ۳ و لقمان، آیه ۲۰). تذکر دادن به امور معنوی (سوره‌های ذاریات، آیه ۵۵ و آل عمران، آیه ۱۵)، نیز از جمله مشوق‌های مورد استفاده در قرآن کریم است.

۷-۱- امر به معروف و نهی از منکر

امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، از دیگر اموری است که خداوند در قرآن کریم از آن بهره گرفته تا به تربیت دینی بشر پردازد. از این‌رو آیاتی از قرآن به پرستش خدا (سوره اسراء، آیه ۲۳) و توجه به امور عبادی چون: نماز و زکات (سوره‌های ط، آیه ۱۳۲ و یونس، آیه ۸۷)، امر کرده و در آیاتی از انجام دادن امور ناپسند (سوره نور، آیه ۱۷)، به علت در پی داشتن عذاب‌های دردناک (سوره‌های نوح، آیه ۱ و تحریم، آیه ۶)، نهی شده است.

۸-۱- یادآوری نعمت‌ها

یادآوری نعمت‌ها، یکی از روش‌های تربیتی خداوند است؛ مانند یادآوری نعمت‌هایی که به بنی اسرائیل داده شد (سوره بقره، آیات ۴۰، ۴۷ و ۱۲۲)، نعمت‌هایی که به مسلمانان داده شد (سوره‌های بقره، آیه ۲۳۱؛ آل عمران، آیه ۱۰۳؛ مائدہ، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۶؛ انفال، آیه ۲۶ و احزاب، آیه ۹)، نعمت‌هایی که به حضرت عیسیٰ داده شد (سوره مائدہ، آیه ۱۱۰) و نعمت‌هایی که در کل به انسان داده شده است. (سوره فاطر، آیه ۳)

۹-۱- یادآوری قیامت

یادآوری قیامت و حساب‌رسی اعمال، یکی دیگر از روش‌های خداوند در قرآن برای تربیت انسان است. (سوره‌های حج، آیه ۱-۲؛ ص، آیات ۲۶ و ۴۶؛ زلزله: ۱-۸ و قیامت، آیات ۱-۱۳)

۲. خدا در عهد عتیق

از نگاه بنی اسرائیل، اولین و مهم‌ترین معلم آن‌ها خود خداست (نک. ایوب: ۳۶ و Amoah, 2012, p.34). خداوند در سراسر عهد عتیق، اعمال شگفت‌انگیزی برای بنی اسرائیل انجام می‌دهد. او خودش را به عنوان معلمی برای جامعه مؤمنان معرفی کرده و تعالیمی مهمی را در طول تاریخ و به واسطه شریعت به آن‌ها عرضه نموده است. (نک. خروج ۱-۲۰؛ Matshiga, 2001, p.120

به نظر می‌رسد اعطای تورات، مهم‌ترین اقدام خداوند برای آموزش بنی اسرائیل بوده است. کتابی که انبیا، معلمان، حکما و حتی برخی از حاکمان عهد عتیق از آن استفاده

می‌کردند. بر مبنای عهد عتیق، در ابتدا خداوند مدرسه‌ای را در باغ عدن بنا نمود (نک. پیدایش ۲:۸). این مدرسه و تعلیمات موجود در آن، الگویی برای آموزش امور متعددی هم چون مسائل دینی، برای همه اعصار بوده است (White, 1903, p.20). درواقع خداوند در این مدرسه، دنبال این بود تا بشر با یادگیری مسائلی که به خیر و صلاح اوست و بازشناخت آن‌ها از شرور، برای زندگی همیشگی در کره خاکی آماده شود (White, 1905, p. 311). پس از رانده شدن انسان از باغ عدن و استقرار او در زمین، خداوند او را رها نکرد و برای تربیت او از روش‌های متعددی استفاده نمود؛ از جمله

۱-۱- استفاده از تمثیل

استفاده از ابزار تمثیل، یکی از روش‌های خداوند برای تربیت دینی مؤمنان است. از طرفی خداوند همانند پدری دلسوز که در اندیشه تأذیب فرزندش است، نگران تربیت قومش است. (نک. تثنیه ۸:۵، هوشع ۱۱:۴-۱). از طرف دیگر، با تأکید بر قداست خود، از مؤمنان می‌خواهد تا همانند او مقدس باشند و به نجات‌تن درند. (نک. لاویان ۱۱:۴۴)

۱-۲- توصل به اوامر و نواهی

خداوند در این روش، با خطاب قرار دادن انبیاء، علماء، حاکمان و حتی خود مردم، از آن‌ها می‌خواهد تا در تربیت دینی کوشان باشند؛ از این‌رو، خطاب به انبیا به آن‌ها امر می‌کند تا دستورهای او را به مردم برسانند (تثنیه ۴:۱۰)؛ شریعت و مقدسات را به مردم تعلیم دهند و از تعددی و تجاوز به مقدسات نهی کنند (خروج ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۱۰؛ ۱۳:۲۰)؛ به جهت کمکی که خدا به مردم نمود و آنان را از دست مصریان نجات داد، از او فرمانبرداری کنند (خروج ۱۹:۳-۶)؛ از دستورهای خدا اطاعت کنند و خود را برای انجام دادن وظایف شرعی متعددی که بر عهده آن‌ها نهاده شده است، تقدیس کنند (خروج ۱۰:۲۲؛ ۱:۲۹؛ ۴۴-۱:۲۹)؛ هماره سعی کنند با خدا باشند تا خداوند خواسته‌های آنان را اجابت کنند. (ارمیا ۳:۳۳)

در امر به علمای نیز از آن‌ها می‌خواهد تا با عدم تعددی به مقدسات (اعداد ۳:۳)، در انجام دادن وظیفه مقدس کوشان باشند (اعداد ۱۸:۲) و کوتاهی نکنند (اعداد ۳:۵) و در صورت تعددی به مقدسات، پاسخ گوی اعمال ناشایست خود باشند. (اعداد ۱:۱۸)

هم‌چنین در امر به حکما، از آنان خواسته است تا در بازسازی خانه خدا مشارکت کنند.
(عزرا ۱: ۲)

۳-۲- تشویق و توبیخ

استفاده از عنصر تشویق و تنبیه، از دیگر روش‌های خداوند در عهد عتیق برای تربیت مردم است. از این‌رو در راستای تنبیه، خطاب به عالمان و انبیایی که به خدا بی‌اعتنایی کنند، بیان می‌کند که خداوند دشمن آن‌ها و ذریه آن‌ها خواهد بود (ارمیا ۲: ۸-۹). نسبت به انبیای دروغ‌گو هشدار می‌دهد (ارمیا ۲۳: ۲۸، ۱۶). از مردم می‌خواهد خدا را فراموش نکند و به شرک و کفر گرایش نیابند؛ زیرا فراموشی خدا موجبات خشم خدا و توبیخ و تنبیه آن‌ها را در پی خواهد داشت (ارمیا ۲: ۱۹؛ داوران ۲: ۱۰-۱۵)؛ به حلال و حرام الهی توجه کنند؛ چراکه حرام‌خواری عذاب الهی را در پی خواهد داشت. (ارمیا ۲: ۲-۳)

در راستای تشویق نیز خطاب به انبیا بیان می‌کند که هر کس با خدا باشد، خدا خود متولی تعلیم او و نسلش خواهد بود که به سلامتی عظیم خواهد انجامید (اشعیا ۵: ۴-۱۳). نیز چگونگی تقدیس کهنه (خروج ۲۹: ۱-۴۴) و آموزش شریعت به مردم را به آن‌ها تعلیم می‌دهد (حزقيال ۲۱: ۲۲-۴۴) و درواقع خود متولی آموزش آن‌ها می‌شود.

با توجه به روش‌های تربیتی خداوند در قرآن و عهد عتیق، مشخص گردید که خداوند در عهد عتیق، سه روش (تمثیل، امر و نهی و تشویق و توبیخ) را برای تربیت انسان به کار گرفته است اما در قرآن، علاوه بر این سه روش، از شش روش دیگر نیز برای تربیت بشر استفاده نموده و این تفاوت، نشان‌دهنده آن است قرآن می‌تواند نقش تعیین کننده‌تری را در تربیت انسان ایفا نماید.

ب) نقش انبیا در قرآن و عهد عتیق

۱. انبیا در قرآن

پیامبران از متولیانی هستند که خداوند در قرآن، تربیت بشر را بر عهده آن قرار داده است (سوره جمعه، آیه ۲). از نگاه قرآن کریم، انبیا انسان‌هایی معمولی با همان نیازهای طبیعی هستند (سوره‌های هود، آیه ۳۱ و اعراف، آیه ۶۹) که همانند دیگران، مورد ابتلا و آزمایش

الهی قرار داشتند (سوره فرقان، آیه ۲۰). آیات مختلفی به معرفی انبیا، شاخصه‌ها، روش‌های تربیتی و سبک زندگی آن‌ها اشاره کرده‌اند. انبیا در قرآن کریم، از جمله افرادی بودند که تمام زندگی‌شان در مسیر کسب رضایت الهی بود (سوره آل عمران، آیه ۱۶۲)، حجت خدا، مبشر و منذر بودند (سوره نساء، آیه ۱۶۵) و الگوهای شایسته‌ای برای تربیت دینی به شمار می‌رفتند. (سوره احزاب، آیه ۲۱)

با این بیان، در قرآن کریم، عمدۀ روش‌هایی که انبیا برای تربیت دینی افراد استفاده می‌کردند، به شرح ذیل است:

۱-۱- موقعه

موقعه از دیدگاه طبرسی، به معنای بازداشت از فعل ناروا از طریق ترغیب در ترک و بی‌رغبتی در انجام دادن آن است که سبب نرمی و خشوع دل می‌گردد (طبرسی، ج ۱۳۷۹، چ ۶ ص ۳۹۲). بیضاوی و فیض کاشانی، موقعه را خطابات قانع‌کننده و عبرت‌های سودمند دانسته‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۰، ج ۲ ص ۴۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۷، ج ۴ ص ۳۶۶). به نظر زمخشری، موقعه حسنۀ آن است که خیرخواهی موقعه کننده بر موقعه شوندگان پوشیده نباشد و باور کنند که خیر و نفع آنان را می‌خواهد (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲ ص ۶۴۴). علامه طباطبائی، نخست سخن خلیل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ص ۵۲۷) را در تعریف موقعه به یادآوری خیر به گونه‌ای که موجب رقت و نرمی قلب می‌شود، نقل کرده و سپس موقعه را به بیانی اطلاق نموده که به خاطر اشتمالش بر عبرت‌ها و پی‌آمدہای پسندیده و آثار نیکو، صلاح حال شنوندۀ را در پی دارد و درنتیجه، سبب نرمی و رقت نفس و قلب می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۷۲). فخر رازی، موقعه حسنۀ را امارات (نشانه‌های) ظنی و دلایل اقناعی، دانسته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۰ ص ۲۸۷)

عده‌ای از مفسران، در مورد به کارگیری این روش تربیتی گفته‌اند: از مفاد آیه برمی‌آید که از این روش (موقعه)، برای تربیت عوام که جنبه اقناعی دارد می‌شود باید بهره برد. (بیضاوی، ۱۴۱۰، ق، ج ۲ ص ۴۳۱؛ آلوسی، بی‌تا ج ۱۴ ص ۳۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۷، ج ۴

ص ۳۶۵؛ ملافتح الله کاشانی، ۱۳۸۹ ج ۳ ص ۳۹۲؛ ابن عربی، ۱۴۳۱ ق، ج ۱ ص ۳۷۱؛ اسماعیلی
خفی، بی‌تا، ج ۵ ص ۹۷)

از نگاه قرآن کریم، انسان در سراسر عمر خود به موضعه نیازمند است؛ از این‌رو پیامبران،
موضعی را از باب تربیت دینی به مردم می‌آموختند. این‌با در موضعه‌های خود با معرفی خداوند
(سوره‌های اعراف، آیات ۸۹ و ۱۰۴؛ انبیاء، آیه ۵۶)، مردم را به پرسش خداوند و ایمان
آوردن به او (سوره اعراف، آیات ۵۹-۶۴، ۷۳، ۷۹ و ۸۴-۸۶)، یاری خواستن از او (سوره
اعراف، آیه ۱۲۸)، تسليم شدن در برابر او (سوره بقره، آیه ۱۳۲-۱۳۳)، رعایت تقوای الهی
(سوره شراء، آیات ۱۰۷-۱۱۰، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۶ و ۱۷۹)، توکل نمودن بر
او (سوره‌های هود، آیات ۲۹ و ۸۸؛ مائدہ، آیه ۲۳ و ابراهیم، آیه ۱۲) و استغفار به درگاه
خداوند (سوره‌های یوسف، آیه ۹۲؛ هود، آیه ۹۰ و مریم، آیه ۴۶)، توصیه نموده و در برخی
موارد از طریق نامه‌نگاری، به خداپرستی و تسليم حق شدن سفارش نموده‌اند. (سوره نمل، آیه
(۳۰-۳۱)

۱-۲- استفاده از حکمت

به کارگیری حکمت، از روش‌های دیگری است که خداوند به پیامبر اسلام (ص) امر
کرده تا با بهره‌گیری از این روش به تربیت امت پردازد: *أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكُمْ بِالْحِكْمَةِ...*
(سوره نحل، آیه ۱۲۵). شیخ طوسی حکمت را به شناخت مراتب حسن و قبح و صلاح و
فساد افعال تعریف کرده و وجه «حکمت» نامیده شدن آن را این دانسته که چنینی معرفتی،
به منزله مانع از فساد و عمل ناشایست است و اصل در معنای حکمت، منع است (طوسی، ۱۴۰۹،
ق، ج ۶ ص ۴۴). زمخشری حکمت را به گفتار محکم، درست و بیان‌گر حق و زداینده
شبه، تعریف کرده (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲ ص ۶۴۶). بیضاوی نیز همین تعریف را
برگزیده است (بیضاوی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲ ص ۴۳۱). علامه طباطبائی در تعریف حکمت گفته
است:

«مراد از حکمت، حجتی است که متنج حق است به گونه‌ای که وهن، ابهام و تردید در
آن راه نداشته باشد». (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۲ ص ۳۷۱)

فخر رازی، حکمت را به حجت یقینی پیراسته از احتمال نقیض، تعریف کرده است.

(فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰ ص ۲۸۷)

با توجه تعریف‌های یادشده می‌توان گفت: حکمت کلامی محکم و خلل ناپذیر محسوب می‌شود که مشتمل بر خیر و سعادت انسان است و او را از شقاوت و زیان بازمی‌دارد.

۳-۱- بحث و جدال احسن

جدل، گفت و گوی مبتنی بر نزاع و غلبه دو جانبه است و اصل آن از «جدل الجبل»، به معنای پیچیدن محکم ریسمان است، گویی هر یک از دو طرف مجادله کننده، رأی دیگری را درهم می‌پیچید (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۹). در تعریف دیگر آمده که جدل، حجتی است که با استفاده از مسلمات خصم یا مسلمات او و مردم، برای آن‌چه بر آن اصرار ورزیده و نزاع می‌کند، به کار می‌رود، بدون این که روشن شدن حقیقت، مقصود باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲ ص ۳۷۱). علامه در ادامه، با تبیین تفاوت جدل با جدال احسن فرموده است:

«جدل در اصطلاح منطق نیز همین معنا را دارد، اما آن‌چه در آیه شریفه (سوره نحل، آیه ۲۵۱) مطرح شده است، جدال احسن است نه مطلق جدل. بر این اساس، اگر احتجاج جدلی مبتنی بر مسلمات کاذب بوده و بخواهد از این طریق طرف مقابل را به پذیرش حق وادر کند، جدال احسن نخواهد بود؛ زیرا در فرض مزبور در کنار احیای حق، احیای باطل نیز شده است که مذموم است مگر آن که بخواهد از این طریق، سخن خصم را نقض کند نه این که او را به پذیرش حق خود وادر سازد». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۳۷۲)

پیامبران الهی با بهره‌گیری از این روش (جدال احسن)، به تربیت امت می‌پرداختند؛ مانند بحث‌های جدلی حضرت نوح (ع) با کافران (سوره هود، آیه ۲۸)، محااجه انبیایی هم چون: ابراهیم (ع)، شعیب (ع) و نوح (ع) برای معرفی خداوند (سوره‌های بقره، آیه ۲۵۸؛ انعام، آیات ۷۶-۷۸ و ۸۰-۸۲؛ هود، آیات ۳۰، ۸۸ و ۹۲؛ نوح، آیه ۱۱۲-۱۱۵)، محااجه پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره دین حضرت ابراهیم (ع) (سوره بقره، آیه ۱۳۵) و بحث‌های حضرت سلیمان (ع) با فرستادگان ملکه سبا که قصد داشتند او را به مال دنیا بفریبنند. (سوره نمل، آیه ۳۶)

۱-۴- انذار و تبییر

قرآن کریم انبیا را مبشر و منذر نامیده است (سوره‌های بقره، آیه ۲۱۳؛ کهف، آیه ۵۶؛ نازعات، آیه ۴۵ و یس، آیه ۷۰؛ از این‌رو، انبیا با وجود ناراحتی از وجود شرک در اعتقادات مردم (سوره اعراف، آیه ۵۰)، با معرفی خود به عنوان منذر (سوره‌های نوح، آیات ۴-۶ و هود، آیه ۲۵)، با مردم اتمام حجت نمودند (سوره اعراف، آیه ۹۳) و به مواردی هم چون: پرهیز از گناه (سوره‌های هود، آیات ۵۲ و ۷۸ و شعراء، آیه ۱۶۸)، ترس از خدا (سوره‌های هود، آیه ۶۱؛ شعراء، آیه ۱۰۶؛ حجر، آیه ۶۹ و مؤمنون، آیه ۲۴)، افترا نسبت به خدا (سوره طه، آیه ۶۱) و مأیوس شدن از درگاه الهی (سوره حجر، آیه ۵۶) هشدار داده و انذار نموده‌اند. مراد از بشارت در آیات، وعده نصرت در دنیا و دست‌یابی به ثواب در آخرت و نعمت‌های بهشتی به افراد مطیع و پذیرنده حق است. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱ ص ۴۰۹)

از سوی دیگر، انبیا با بیان این که خدا همیشه پیروز و پایدار است (سوره یونس، آیه ۸۲)، با امید دادن به اهل تقدوا (سوره اعراف، آیه ۱۲۸) و ایمان داران (سوره انعام، آیات ۵۴ و ۸۶)، به همراه تشویق آن‌ها به انجام دادن عبادات (سوره مؤمنون، آیه ۲۴)، پیروزی در مقابل دشمنان و ایمنی از عذاب الهی را به آنان بشارت می‌دادند. (سوره انعام، آیه ۶۸)

با توجه به آیه ۲۱۴ سوره شعراء، یکی از مأموریت اولی و اصلی رسول خدا (ص) انذار بوده است. گرچه در این آیه متعلق انذار، نزدیکان و عشیره آن حضرت هستند، مقتضای خاتمه رسالت حضرت آن بود که مأمور به انذار همه مردم باشد؛ لذا بسیاری از مفسران، امر به انذار در آیه یادشده را ویژه "عشیره اقربین" ندانسته، بلکه آن را یکی از مصاديق مهم و شروع امر به انذار همه مردم می‌دانند و به اصطلاح، اختصاص در آیه را اختصاص ذکری به شمار می‌آورند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۷۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۳۶۱؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۱؛ کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۴۵۳)

۱-۵- دعا گردن

دعاهایی که انبیا در امور دینی داشته‌اند، با مضامینی چون: تشکر از خداوند برای هدایت مردم (سوره بقره، آیات ۱۲۷-۱۲۹)، شکر نعمت (سوره‌های بقره، آیه ۱۲۶ و نمل،

آیات ۱۵ و ۱۹)، دعا برای درخواست مائده از سوی حواریون و اجابت الهی (سوره مائده، آیه ۱۱۲)، دعا برای برطرف شدن مشکلات (سوره انبیاء، آیه ۸۳-۸۴)، کسب ثواب و نیکویی در دنیا و آخرت (سوره اعراف، آیه ۱۵۶) و حتی مواردی که در آن انبیا برای نفرین قومشان دست به دعا برداشتند (سوره‌های مائده، آیه ۲۵ و شراء، آیه ۱۱۷-۱۱۸)، می‌تواند درس‌های آموزنده‌ای در جهت تربیت دینی مؤمنان در خود داشته باشد.

۱-۶- استفاده از معجزه و امور خارق العاده

به تناسب وضعیتی که انبیا در آن قرار می‌گرفتند، از معجزات و امور غیبی در جهت افزایش ایمان و اتمام حجت برای مخاطبان استفاده می‌کردند؛ همانند معجزات حضرت عیسی (ع) در شفا دادن افراد مبتلا به بیماری‌هایی چون: کوری و پیسی، زنده کردن مرده، تبدیل گل به پرنده و خبر دادن از غیب (سوره آل عمران، آیه ۴۹)، درآوردن شتر از کوه (سوره‌های هود، آیه ۶۴-۶۳ و شراء، آیه ۱۰۷-۱۰۸)، معجزات فراوان حضرت موسی (ع) برای فرعون و بنی اسرائیل (سوره‌های اعراف، آیات ۱۰۵ و ۱۰۸-۱۰۷ و شراء، آیه ۳۰)، به همراه معجزات متعددی که در قرآن کریم به پیامبر اسلام (ع) نسبت داده شده؛ مانند خود قرآن کریم و آیات تحدى (سوره بقره، آیه ۲۳)، عروج به آسمان‌ها (سوره اسراء، آیه ۱) و شق القمر (سوره قمر، آیه ۱). تمام این امور به تعبیر قرآن کریم، نشان‌هایی برای ایمان‌داران خواهد بود (سوره آل عمران، آیه ۴۹) که نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت انسان‌ها داشته است.

۱-۷- تشویق

انبیا با تشویق مردم به توبه (سوره بقره، آیه ۵۴)، یاد کردن نعمت‌های خداوند (سوره اعراف، آیه ۷۴)، کمک گرفتن از دیگران در امور دینی (سوره‌های طه، آیات ۲۹-۳۵ و شراء: ۱۳)، سکوت در مقابل تمسخر غیر مؤمنان (سوره هود، آیه ۳۸-۳۹)، توکل بر خداوند (سوره یونس، آیه ۸۴) و مواردی از این قبیل به دنبال تربیت دینی مردم بودند.

۱-۱-امرونهی

اوامر و نواهی دینی نیز می‌تواند در تربیت دینی افراد مؤثر باشد؛ برای مثال، امر به ذبح حیوان با مشخصات خاصی برای ایمان آوردن بهتر به خدا و نشان دادن قدرت خدا (سوره بقره، آیات ۶۷-۷۳)، دستور به انجام دادن شریعت (سوره بقره، آیه ۹۳)، نهی از نافرمانی خدا در قضیه گوسله سامری (سوره طه، آیات ۸۶، ۹۰، ۹۳-۹۲ و ۹۵) و نهی از پرستش غیر خدا (سوره‌های مریم، آیه ۴۲ و هود، آیه ۲۶) از این موارد است.

۱-۲-یادآوری نعمت‌ها

یادآوری نعمت‌ها، یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی بود؛ مانند حضرت موسی (ع) که نعمت‌های خدا به قومش را به آنان یادآوری می‌کرد. (سوره مائدہ، آیه ۲۰)

۱-۳-برخورد محبت‌آمیز

برخورد محبت‌آمیز و نرمش در گفتار، یکی دیگر از روش‌های تربیتی پیامبران است که قرآن به آن اشاره فرموده؛ مانند ملاطفت و مهربانی پیامبر عزیز اسلام (ص) با مردم (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) و برخورد ملاطفت‌آمیز همراه با نرمش در گفتار و به کارگیری این روش توسط رسول خدا (ص)، به گواه خداوند متعال از بهترین عوامل جذب مسلمانان بوده است (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

۱-۴-یادآوری مرگ و قیامت

یادآوری قیامت، یکی دیگر از روش‌های تأثیرگذار در تربیت انسان‌هاست که پیامبران الهی از آن در هدایت امت‌ها استفاده می‌کردند. (سوره‌های ابراهیم، آیه ۳۱؛ حج، آیه ۷۲؛ سجده، آیه ۱۱؛ احزاب، آیه ۶۳؛ سباء، آیه ۳۹ و زمر، آیه ۱۳)

۱-۵-استفاده از مشترکات

استفاده از مشترکات در تربیت انسان‌ها، از روش‌های تأثیرگذاری است که پیامبران از آن بهره می‌جستند؛ مانند پیامبر اسلام (ص) که در مواجهه با اهل کتاب از این روش استفاده می‌کردند. (سوره‌های آل عمران، آیه ۶۴ و عنکبوت، آیه ۴۶)

۱۳-۱- طرح سؤال

طرح کردن سؤال به انگیزه بیدار ساختن فطرت خفته مخاطب توسط پیامبران، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت انسان‌ها بوده که در قرآن به آن اشاره کرده است. (سوره‌های هود، آیه ۶۳؛ یوسف، آیه ۳۹؛ ابراهیم، آیه ۱۰ و شعراء، آیات ۷۱-۷۳)

۲. انبیا در عهد عتیق

پیامبران از مهم‌ترین آموزگاران عهد عتیق در آموزش و تربیت امور دینی بوده‌اند. (Sanner, 1978, p.40-41) آن‌ها از طرف خدا انتخاب شدند تا پیام او را به بنی اسرائیل منتقل کنند (Matshiga, 2001, p.122). انبیای عهد عتیق، افراد با ایمانی بودند که خود را تابع فرمان‌های الهی می‌دانستند (White, 1890, p.126; White, 1915. P. 52; White, 1903, p. 54). چنین ایمانی به ارتباطی شخصی با خدا و ارتباط مستقیم خداوند با آن‌ها می‌انجامید. (نک. پیدایش ۶: ۱۳-۲۱؛ ۱۷: ۱-۲؛ ۳۵: ۱؛ ۱۵-۱۱؛ ۴۶: ۲-۴)

عصر حضور انبیا در عهد عتیق را به دو دسته کلی دسته‌بندی می‌کنند. علت این نیز این است که در این دوران، به علت نافرمانی‌های قوم بنی اسرائیل از اوامر الهی و تعالیم انبیا، برای مدتی فترت ایجاد شد تا مردم به خود آیند و شرایط بازگشت مجدد انبیا فراهم شود؛ از این‌رو در این بازه زمانی و در دوران فترت انبیا، داورانی از میان مردم برخاستند که به قضاؤت و داوری، بعض‌ا تعالیم دینی در میان مردم می‌پرداختند؛ لذا در این مقاله، تنها به دوره‌های حضور انبیا و روش‌های تربیتی آنان پرداخته می‌شود.

دوره اول: عصر حضور انبیا

حضرت ابراهیم (ع)، اولین شخصیتی است که در میان انبیا مهم تلقی می‌گردد. بر مبنای آن‌چه در پیدایش ۱۸: ۱۹ آمده است:

"من او را برگزیده‌ام تا فرزندان و اهل خانه خود را تعلیم دهد که مرا اطاعت نموده، آن‌چه را که راست و درست است به جا آورند. اگر چنین کنند، من نیز آن‌چه را که به او وعده داده‌ام، انجام خواهم داد."

تصور ابراهیم (ع) این بود که او مسئول تعلیم خانواده‌اش است و لذا به آن‌ها فرمان داد تا به عدالت رفتار و حکم کنند. در تعلیم شریعت خدا، به آن‌ها آموخت که خداوند، قاضی و شارع انسان‌هاست؛ از این‌رو، والدین و فرزندان باید بر اساس قوانین او زندگی کنند. والدین با فرزندان به ستم رفتار نکنند و فرزندان نیز از قوانین تمرد نکنند. (White, 1923, p. 286)

البته دلیل این نکته - همان‌گونه که در آیه یادشده آمده است - عهدی بود که خدا با ابراهیم (ع) و همه ذریه‌اش بسته بود (پیدایش ۱۷: ۲۲؛ ۱۶: ۷؛ ۱۸: ۲۲)؛ عهدی که مشابه آن قبلًا با نوح منعقد شده بود (پیدایش ۹: ۸-۱۷) و اکنون با ذریه ابراهیم (ع) یعنی اسحاق (ع) و یعقوب (ع) منعقد شد. (نک. پیدایش ۲۶: ۳-۵؛ ۲۸: ۱۳-۱۵؛ خروج ۲: ۲۴)

این عهد ادامه یافت و سپس به موسی (ع) منتقل شد؛ شخصیتی که معلم اصلی بنی‌اسرائیل قلمداد می‌شود (خروج ۱۴: ۳؛ ۱۵: ۴؛ ۱۵: ۴؛ ۲۵: ۲۱). از طریق او بود که خداوند احکام ده‌گانه را بر بنی‌اسرائیل نازل نمود. موسی با کمک افرادی مانند هارون (خروج ۱۳: ۴-۱۷)، بَصَلَیل (خروج ۳۱: ۱-۶) و أُهُولیاب (خروج ۳۵: ۳۴)، موظف شدند تا خدا و شریعتش را به مردم بشناسانند.

دوره دوم؛ ظهور مجده انبیا

پس از مدتی فترت ایجاد شد و دیگر پیامبری در میان بنی‌اسرائیل ظهر نکرد تا این که در زمان آخرین داور، یعنی سموئیل، موقعیت برای بازگشت انبیا و تعلیم به قوم فراهم شد. انبیا در این دوره پس از آن که خداوند آن‌ها را به این مسئولیت خطیر منصوب نمود (ارمیا ۱: ۹-۵؛ ۱۷: ۱؛ اول سموئیل ۳: ۱-۲۱؛ حزقيال ۲: ۸-۱؛ ۱۷: ۳؛ ۳۳: ۷)، با اعتقاد و اعتماد به خداوند (دوم پادشاهان ۲: ۱۵-۹؛ اشعياء ۹: ۱۵؛ دانيال ۶: ۱-۲۲)، به دریافت و ابلاغ پیام خدا برای قوم و تربیت آن‌ها پرداختند (اول سموئیل ۹: ۱۵-۱۷، ۲۷؛ دوم پادشاهان ۲۰: ۱؛ ارمیا ۲۳: ۲۸). آن‌ها اشخاص بر جسته‌ای همانند سموئیل، ایلیا، اليشع، اشعياء، ارمیا، دانیال و هم‌چنین انبیایی که کمتر شناخته شده هستند جاد، شمعیا و یدوتون بودند. به علاوه زنان نبیه‌ای چون حله همسر اشعياء (دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴؛ دوم تواریخ ایام ۳۴: ۲۲؛ اشعياء ۸: ۳) و افرادی

همانند عزرا ای کاتب و عاموس را نیز می‌توان در این زمرة قرار داد. (عزرا ۷: ۱۱؛ عاموس ۷: ۱۵)

سموئیل نبی با تدوین برنامه‌هایی، به آموزش بنی اسرائیل (اول سموئیل ۷: ۱۶-۱۷؛ ۱۷-۱۹) و مبارزه با فسادی پرداخت که بر مبنای شرک شکل گرفته بود (White, M, 1890, p.593). متعاقباً انبیای بعدی مانند الیشع و ایلیا در اریحا، بیت ایل و جلیل، برنامه‌های او را دنبال کردند. (دوم پادشاهان ۲: ۳-۵؛ ۴: ۳-۸)

۱-۱- استفاده از ابزار تمثیل

انبیای عهد عتیق با استفاده از مثال‌های بصری متونع (نک. ارمیا ۱: ۱۳؛ ۱۱-۱: ۱؛ ۱۰-۱: ۱۸؛ ۱۱-۱: ۱؛ ۱-۱۳: ۱۹؛ ۲: ۲۷؛ ۲: ۳۷؛ ۲: ۱۵؛ ۲-۳: ۴۳؛ ۲-۳: ۱۲؛ ۸-۸: ۲۴؛ ۱-۱۴؛ ۶: ۹)، می-کوشیدند تا امور دینی را به مردم بیاموزند؛ برای مثال، اشعیای نبی در توصیف سختی‌ها و یاری خداوند از تعبیری مانند نان ضيق و آب مصیبت استفاده می‌کند:

"هر چند خداوند شما را نان ضيق و آب مصیبت بدهد، اما معلمانت بار دیگر مخفی نخواهد شد؛ بلکه چشمانت معلمانت تو را خواهد دید." (اشعیا ۳۰: ۲۰)

همان‌گونه که در اشعیا ۵: ۴ آمده است:

"خداوند یهوه زبان تلامیذ را به من داده است تا بدانم که چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. هر بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلامیذ بشنوم."

خداوند چگونگی تکلم نمودن با مردم را در قالب تمثیل زبان تلامیذ به اشعیا آموخته است. مردم نیز با شنیدن کلام انبیاء، توانایی تشخیص انبیای حقیقی از انبیای دروغین را به دست آوردند. از این‌رو می‌توان تمثیل را به مثابه ابزاری برای یافتن حقیقت قلمداد نمود:

"آن پیامبری که خواب دیده است، خواب را بیان کند و آن که کلام مرا دارد، کلام مرا به راستی بیان نماید. خداوند می‌گوید کاه را با گندم چه کار است؟" (ارمیا ۲۳: ۲۸)

۲-۲- تشویق و تنبیه

تشویق و دلگرم نمودن مردم، یکی از مواردی بود که انبیا در زمان‌های مختلف برای انتقال پیام‌های دینی استفاده می‌کردند.

۲-۱-۱- قشویق به استفاده از همه توان

خداآوند انبیا را تشویق نموده است تا از همه توان خود برای تربیت دینی مردم استفاده کنند:

"روح خداوند بر تو مستولی شده، با ایشان نبوت خواهی نمود و به مرد دیگر مبدل خواهی شد؛ و هنگامی که این علامات به تو رونماید، هرچه دستت یابد بکن زیرا خدا با توست." (اول سموئیل ۱۰:۶-۷)

آن‌ها موظفند تا مردم را بشارت دهند که اگر به خدا ایمان داشته باشند، خداوند به آنان روح تازه بخشیده، قلب‌هایشان را برای پذیرش دین خدا نرم خواهد نمود. (نک. حزقيال ۳۶:۳)

(۲۶-۲۷)

۲-۲-۲- قشویق به کمک گرفتن از دیگران

در صورتی که انبیا به تنها یی توایی انجام دادن رسالت خود را نداشته باشند، خداوند، آنان را به کمک گرفتن از دیگران تشویق و ترغیب می‌کند:

"گفت: «استدعا دارم ای خداوند که بفرستی به دست هر که می‌فرستی». آن گاه خشم خداوند بر موسی مشتعل شد و گفت: «آیا برادرت هارون لاوی را نمی‌دانم که او فصیح الکلام است؟» و اینک او نیز به استقبال تو بیرون می‌آید و چون تو را بیند، در دل خود شاد خواهد گردید؛ و بدو سخن خواهی گفت و کلام را به زبان وی القا خواهی کرد و من با زبان تو و با زبان او خواهم بود و آن‌چه باید بکنید شما را خواهم آموخت؛ و او برای تو به قوم سخن خواهد گفت و او مر تو را به جای زبان خواهد بود و تو او را به جای خدا خواهی بود."

(خروج ۱۳:۴)

از این‌رو می‌توان برای تربیت دینی جامعه از دیگران نیز کمک گرفت.

۲-۲-۳- قشویق به برگزاری جلسات عبادی جمعی

همان‌گونه که در نهمیا ۸-۱ آمده است، برگزاری مراسم عبادی به صورت دسته‌جمعی و هم‌چنین قرائت دسته‌جمعی کتاب مقدس می‌تواند مشوق خوبی در جهت

آموزش و فهم امور دینی و عبادی باشد و مردم را بر مشارکت حداکثری در امور مذهبی ترغیب کند.

۴-۲-۲- تشویق به استفاده از عنصر شادی و موسیقی

استفاده از موسیقی، رقص و شادی، یکی از حریه‌هایی است که انبیای عهد عتیق - اعم از نبی و نبی - برای تربیت دینی مردم از آن بهره می‌بردند (نک. خروج ۱۵: ۲۰- ۲۱). تشویق به استفاده از آلات موسیقی در برنامه‌های دینی، شاهدی بر این ماجراست: "طبق دستوری که خداوند توسط جاد و ناتان نبی به داوود پادشاه داده بود، حزقيا لاویان نوازنده را با سنج‌ها، بربط‌ها و عودها در خانه خداوند گماشت. لاویان با آلات موسیقی، داوود پادشاه و کاهنان با شیپورها آماده ایستادند." (دوم تواریخ ۲۹: ۲۵- ۲۶) از این رو برخی از انبیا، از آلات موسیقی به عنوان ابزاری برای هدایت مردم بهره می‌بردند (نک. اول سموئیل ۱۰: ۵). برخی دیگر نیز مردم را به عبادت خدا همراه با شادی تشویق می‌کردند. (دوم تواریخ ۳۰: ۲۹)

۳-۲- استفاده از روش تنبیه و سرزنش

تبنیه با روش‌های متعدد، یکی از روش‌های انبیا برای تربیت دینی مردم بود؛ برای مثال، پس از آن که شائول از اوامر الهی سریچی نمود، سموئیل نبی پیش‌گویی کرد که خداوند او را به خاطر این عمل احمقانه، تنبیه نموده، از پادشاهی اسرائیل برکنار خواهد کرد و او حاکمیتش را از دست خواهد داد (نک. اول سموئیل ۱۳: ۱۱- ۱۴؛ ۱۵: ۱۶- ۳۱). بنی اسرائیل نیز که از اوامر الهی سریچی نمودند و هدایت‌های انبیا را پذیرا نشدنند، درنهایت همان‌طور که خداوند وعده داده بود، با جلای وطن تنبیه شدند:

"تا آن که خداوند اسرائیل را موافق آن‌چه به واسطه جمیع بندگان خود، انبیا گفته بود، از حضور خود دور انداخت. پس اسرائیل از زمین خود تا امروز، به آشور جلای وطن شدند." (دوم پادشاهان ۱۷: ۲۳)

۴-۲- بیان سرگذشت پیشینیان

انبیا هم چون آموزگاری، هدایت‌های خدا در گذشته را برای مردم مرور می‌کردند و نتایج انتخاب‌های پیشینیان را برای بنی اسرائیل تحلیل می‌نمودند (نک. اول سموئیل ۶:۲۵). آنان وقایع گذشته را به عنوان درس‌هایی برای نسل‌های آینده بازگو می‌کردند. (اول تواریخ ۹:۲۹؛ دوم تواریخ ۱۳:۱۵؛ ۲۶:۲۲؛ ۳۵:۳۵)

۵-۲- استفاده از معجزات و امور خارق‌العاده

استفاده از معجزات، یکی دیگر از روش‌های انبیا برای تربیت دینی مردم بود؛ برای مثال، خداوند خطاب به حضرت موسی (ع) بیان می‌کند:

«او این عصا را به دست خود بگیر که با آن آیات را ظاهرسازی!» (خرسج ۴:۱۷)

دلیل این نکته نیز روش‌است؛ زیرا معجزات می‌تواند به عنوان ابزاری قوی در جهت ایجاد و حتی از دیدار ایمان عمل کند (White, 1959, p.174). خبر دادن از غیب توسط دانیال نبی به عنوان امری خارق‌العاده، سبب شد تا پادشاه به مقام والای خدای دانیال در میان همه خدایان دیگر اعتراف کند. (دانیال ۲: ۲۸-۴۹). از این‌رو، معجزات و امور خارق‌العاده نیز می‌تواند در تربیت دینی مؤثر باشد.

۶-۲- سفرهای تبلیغی

استفاده از سفرهای تبلیغی نیز می‌تواند به عنوان شگردی در تربیت دینی به کار رود؛ برای مثال، انبیایی چون: بُنحایل، عُوبَدِیا، زَکرِیا، نَسْنَیل و میکایا، به شهرهای مختلف یهودیه سفر کردند تا به تبلیغ و آموزش کلام الهی پردازنند:

"و در سال سوم از سلطنت خود، سروران خویش را یعنی بُنحایل و عُوبَدِیا و زَکرِیا و نَسْنَیل و میکایا را فرستاد تا در شهرهای یهودا تعلیم دهند و با ایشان بعضی از لاویان یعنی شَمَعْیَا و نَتَّیَا و زَبَدِیَا و عَسَائِیل و شَمَیرَامَوت و یهُونَاتَان و آَدُنَیَا و طَوَبِیَا و تَوَبَ آَدُنَیَا را که لاویان بودند، فرستاد و با ایشان آلیشَمَع و یهُورَام کَهَنَه را. پس ایشان در یهودا تعلیم دادند و سفر تورات خداوند را با خود داشتند و در همه شهرهای یهودا گردش کردند، قوم را تعلیم می‌دادند." (دوم تواریخ ۱۷:۷-۹)

۷-۲- توصیه و تذکر

انبیای الهی در قالب توصیه‌هایی، از مردم می‌خواستند تا با توجه به اوامر الهی و انجام دادن امور شرعی، علاوه بر دریافت برکات مادی و معنوی (ملاکی ۳:۱۰)، درنهایت عاقبت به خیری نصیشان گردد (ارمیا ۲۹:۱۱). همچنین به مردم توصیه می‌کردند تا از مسیر خدا فاصله نگیرند. ممکن است طی طریق در این مسیر با سختی‌هایی همراه باشد (اشعیا ۵۳:۱۲)، اما با خدا بودن، نشانه توجه خدا به آن‌ها و رحمت و رأفت خداوند است. (اشعیا ۳۰:۱-۱۱) (۱۸-۲۲)

۸-۲- هشدار و تهدید

استفاده از ابزار هشدار و تهدید، از دیگر روش‌های انیا در تربیت دینی جامعه است. آنان با بیان این که خداوند شاهد و ناظر اعمال خوب و بد انسان‌هاست (ارمیا ۲۳:۲۹) و با توجه دادن آن‌ها به ناچیزی و ناتوانی انسان در برابر قدرت خداوند (ارمیا ۱۰:۲۳)، هشدار می‌دهند که ترک خداوند و بی توجهی به توصیه‌های انیا، علاوه بر آن که موجب تسلط ظالمان بر مؤمنان خواهد شد (دوم تواریخ ۱۲:۶؛ ۱۶:۹-۷؛ ۲۵:۱۵-۱۶؛ دوم پادشاهان ۱۷:۲۳)، لعن الهی (ملاکی ۲:۲) و عذابی سخت (ملاکی ۴:۱-۳؛ خروج ۴:۸-۹) را در پی خواهد داشت.

۹-۲- خطابه و موعظه

انبیای عهد عتیق در خطابه‌ها و موعظه‌های صادقانه خود (اول سموئیل ۱۲:۲۳)، به معرفی خداوند و صفات او (اشعیا ۴:۶-۳۱)، دعوت به پرستش خداوند (داوران ۵:۷-۱۰؛ ۵:۱؛ ۳۱:۲۰؛ ارمیا ۲۹:۱۳؛ ۲۹:۴)، آموزش الهیات و تعلیم شریعت (اشعیا ۵:۱۳-۱۴)، دعوت مردم برای بازگشت به سوی خدا (اول سموئیل ۷:۳-۶؛ حجی ۱:۱۴-۱۲) و تشویق مردم برای کمک به دستگاه الهی (دوم تواریخ ۱۵:۸) می‌پرداختند.

انبیای در قرآن با بهره‌برداری از سیزده روش، به تربیت انسان‌ها پرداختند؛ اما در عهده عتیق، از نه روش برای تربیت بشر استفاده نمودند که در چهار روش (موقعه، انذار و تبشير، معجزه، تشویق) مشترک بودند و در سه روش متفاوت. روش انیا در قرآن، چهار روش

بیشتر بوده که با این وضعیت، روش‌های اشاره‌شده در قرآن جامع‌تر از عهد عتیق است. علاوه بر این، استفاده از ابزار موسیقی در عهد عتیق آمده که این روش در قرآن ذکر نشده است.

نتیجه

از بررسی آراء مفسران فرقین درباره متولیان تربیت دینی در قرآن و کاوش در متن عهد عتیق، این نتیجه به دست می‌آید که در روش تربیتی خداوند و پیامبران در دو متن مقدس (قرآن و عهد دین)، ادبیات یکسانی داشته و در بعضی از روش‌ها هر دو متن شیوه یک دیگر است؛ ولی روش‌های موجود در قرآن جامع‌ترند و متولیان در قرآن کریم، بشخصه ویژگی ممتازی دارند که در عهد عتیق وجود ندارد. الگوهای قرآنی اسوه حسن‌هستند (سوره‌های احزاب، آیه ۲۱ و ممتحنه، آیات ۶ و ۴)؛ اما در عهد عتیق این گونه نیست. اینا در عهد عتیق مرتكب گناهان کبیره می‌شوند (برای مثال نک. پیدایش ۱۹: ۱-۱۸) و شایسته نیست کسی که خود از گناه کبیره دوری نمی‌کند، متكلف امور دینی دیگران گردد.

به علاوه قصص قرآن کریم، گرچه از لحاظ محتوایی تفاوت چندانی با قصص عهد عتیق ندارد، از لحاظ ماهوی با آن‌ها تفاوت دارد؛ زیرا هدف قرآن کریم از نقل این داستان‌ها، صرفاً قصه‌گویی و یا نشان دادن ضمنی سرگذشت قوم بنی اسرائیل به عنوان قوم برگزیده خداوند نیست، بلکه به خاطر بیان امر مهمی به این داستان‌ها به عنوان شاهد و گواه تاریخی، استناد شده است. امکان دارد داستانی در چند سوره مختلف آمده باشد، ولی در هر جا، برای بیان نکته‌ای مهم و عمده‌ای متمایز آمده است؛ از این‌رو قصص قرآنی، اهدافی چون: عبرت‌آموزی، هدایت‌گری، اندیشه سازی، بیان اصول دین و بیان سنن الهی را تعقیب می‌کنند (اشرفی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸). علاوه بر این، به استثنای سوره یوسف، در هیچ جای قرآن به جزئیات وقایع و داستان‌های تاریخی اشاره نشده است، برخلاف داستان‌های عهد عتیق که وارد جزئیات زندگی افراد می‌شود؛ در حالی که این گونه پرده‌دری و رعایت نکردن حریم میان مرد و زن در قرآن وجود ندارد.

نکته مهم دیگر این است که با توجه به آراء مفسران فرقین، در قرآن کریم توجه به قیامت، مسأله بهشت و جهنم، عذاب و ثواب بسیار پررنگ است؛ در حالی که در عهد عتیق یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و یا اگر اشاراتی به آن باشد، به صورت سطحی و گذراست (آریانپور، ۱۳۵۲، ص ۴). درنتیجه باید بیان نمود که علی‌رغم اشتراکات موجود میان قرآن کریم و عهد عتیق، در قرآن کریم متولیان تربیت دینی اسوه حسن‌هستند، به علاوه مباحثی مانند توجه به قیامت در آن پررنگ‌تر است.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

- آل‌وسی، سید محمد (بی‌تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی، بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ ق)، عوالي اللئالي العزیزیه فی الاحادیث الـلـدـینـیـه، محقق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه سیدالشهدا.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، التحریر و التسوير، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنات و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اشرفی، عباس (۱۳۵۸ ش)، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۵۲ ش)، نفوذ عقاید آریانی در دین یهود و مسیحیت، تهران: مدرسه عالی ترجمه.
- بیضنواحی، ناصرالدین (۱۴۱۰ ق)، انوارالتنزیل (تفسیر بیضنواحی)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ ق)، تفسیر التستری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسین (۱۳۷۷ ش)، جلاء الادهان و جلاء الاحزان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حقی بُرسوی، اسماعیل (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت - دمشق: دارالقلم، دارالشامیه.
- رسنی‌زاده، رضا (۱۳۸۲ ش)، «الگوهای تربیتی در قرآن»، فصلنامه معرفت، ش ۶۹، ص ۱۵-۱۲.
- زمخشري، محمود (۱۴۰۷ ق)، الكشاف، بیروت: دارالكتاب العربي.
- شرطوتی، سعید (۱۴۱۶ ق)، اقرب الموارد فی فصحه العربیہ و الشواهد، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخبریه، دارالاسوه الطباعه و النشر.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۳ ش)، تفسیر المیزان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، التیبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلم الاسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۴۰ ق)، التفسیرالکبیر، بیروت: نشر احياء التراث العربي.
- فیض کاشانی، ملام‌حسن (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر.
- کاشانی، ملاقفتح الله (۱۳۸۹ ش)، منهج الصادقین فی الزرام المخالفین، قم: نوید اسلام.
- کیومرثی، غلامعلی (۱۳۸۶ ش)، مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی، تهران: مدرسه.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶ ش)، *میران الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۴ ج، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

مصطفی‌یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹ ش)، *راه و راهنمای شناسی*، قم: شفق.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ ش)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدر.

میرزایی، نجفعلی (۱۳۸۸ ش)، *فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

Amoah, Asare Emmanuel(2012). Theological Reflection of Christian Education on Some Selected Mission Churches in Akyem Abuakwa, Bachelor of Divinity(Doctoral dissertation).

Kent, Charles Foster(1911). *The Great Teachers of Judaism and Christianity*. Eaton & Mains.

Matshiga, Dumile Johannes(2001). Christian Education in the Baptist Convention of South Africa with special reference to churches in the Transvaal: A practical theological investigation (Doctoral dissertation, University of Pretoria).

Sanner, A. Elwood, and Albert Foster Harper(1978). *Exploring Christian Education*. Beacon Hill Press.

White, E. (1903). *Education*. Mountain View, CA: Pacific Press Publishing Association.

White, E. (1905). *The Ministry of Healing*. Mountain View, CA: Pacific Press Publishing Association.

White, E. (1890). *Patriarchs and Prophets*. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.

White, E. (1915). *Gospel Workers*. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.

White, E. (1923). *Fundamentals of Christian Education*. Nashville, TN: Southern Publishing Association.

White, E. (1958). *Selected Messages*, vol. 2. Washington, DC: Review and Herald Publishing Association.

Bibliography

The Holy Qur'an;

The Holy Bible;

Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. ‘Alī (1986), *Rawż ul-Jinān wa Rūh-ul-Janān fī Tafsīr-il-Qur’ān*, edited by Muḥammad-Ja‘far Yāḥaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāṣīḥ. Mashhad: Bunyād-i Pažūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī.

Ālūsī, Maḥmūd b. ‘Abdullāh (n.d.), *Rūh al-Ma‘ānī fī Tafsīr al-Qur’ān al-‘Aẓīm*, edited by ‘Alī ‘Abdul-Bārī ‘Atīyya, Beirut: Dār al-Fikr.

Amoah, Asare Emmanuel (2012), Theological Reflection of Christian Education on Some Selected Mission Churches in Akyem Abuakwa, Bachelor of Divinity (Doctoral dissertation).

Ārīānpūr-Kāshānī, ‘Abbās (1973), *Nufūz-i Aqā’id-i Ārīāt dar Dīn-i Yahūd va Masīhīyyat*, Tehran: Madrasa-yi ‘Alī-i Tarjuma.

Ashrafi, ‘Abbās (2006), *Muqāyisa-yi Qisāṣ dar Qur’ān va ‘Ahdayn*, Tehran: Amīr Kabīr and Shirkat-i Chāp va Nashr-i Baynalmilal.

- Baydāwī, ‘Abdullāh b. ‘Umar (1997), *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta’wīl*, edited by Muḥammad ‘Abdul-Rahmān al-Mar‘ashlī, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar (1999), *Tafsīr Maṭā’īḥ al-Ghayb*, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Fayd-Kāshānī, Muḥammad b. Murtadā (1994), *Al-Asfār fī Tafsīr al-Qur’ān*, Tehran: Ḫadr.
- Haqqī-Burusavī, Ismā‘īl (n.d.), *Tafsīr Rūḥ al-Bayān*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Abī Jumhūr, Muḥammad b. Zayn al-Dīn (1983), ‘Awālīt al-La’ālīt al-‘Azīzīyya fī al-Āḥādīth al-Dīnīyya, edited by Mujtābā ‘Irāqī, Qum: Mu’assasa Sayyid al-Shuhadā.
- Ibn ‘Āshūr, Muḥammad b. Ṭāhir (n.d.), *al-Tahrīr wa al-Tanwīr*, Beirut: Mu’assasa al-Tārīkh al-‘Arabī.
- Jurjānī, Ḥusayn b. Ḥasan (1999), *Jaā’ al-Adhhān wa Jilā‘ al-Aḥzān*, Tehran: Dānishgāh-i Tīhrān.
- Kāshānī, Faṭḥullāh b. Shukrullāh (1999), *Minhaj al-Ṣādiqīn fī Ilzām al-Mukhālifīn*, Qum: Navīd-i Islām.
- Kayūmārthī, Ghulām-‘Alī (2007), Mabānī va Uṣūl-i Tarbīat-i Dīnī va Tafāwut-i Ān bā Ta‘līmat-i Dīnī, Tehran: Madrasa.
- Kent, Charles Foster (1911), The Great Teachers of Judaism and Christianity, Eaton & Mains.
- Matshiga, Dumile Johannes (2001), Christian Education in the Baptist Convention of South Africa with special reference to churches in the Transvaal; A practical theological investigation (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Mīrzā’ī, Najaf-‘Alī (2008), *Farhang-i Iṣṭilāḥāt-i Mu’āṣir-i ‘Arabī-Fārsī*, Tehran: Farhang-i Mu’āṣir.
- Miṣbāh-Yazdī, Muḥammad-Taqī (2000), *Rāh va Rāhnamāshināstī*, Qum: Shafaq.
- Muhammadī-Rayshahrī, Muḥammad (2007), *Mīzān-al-Hikma*, translated by Ḥamīd-Riḍā Shaykhī, Qum: Dār al-Ḥadīth.
- Muṭahharī, Murtadā (1994), *Ta’līm va Tarbīat dar Islām*, Tehran and Qum: Ḫadrā.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusain b. Muḥammad (1995), *al-Mufradāt fī Ghārīb Alfāz al-Qur’ān*, edited by Ṣafwān Dāwūdī, Beirut and Damascus: Dār al-Qalam and al-Dār al-Shāmīyya.
- Rustamīzādī, Riḍā (2003), “Ulgū-hā-yi Tarbīatī dar Qur’ān” in: *Ma’rifat*, no. 69, pp. 12-15.
- Sanner, A. Elwood and Albert Foster Harper (1978), *Exploring Christian Education*, Beacon Hill Press.
- Shartūtī, Sa‘īd (1995), Aqrab al-Mawārid fī Fuṣḥa al-‘Arabīyya wa al-Shawāḥī, tehrān: Dār al-Uswa.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1991), *Jāmi‘ al-Bayān ‘an Ta’wīl Āy al-Qur’ān*, Beirut: Dār al-Ma’rifat.
- Ṭabāṭabā’ī, Muḥammad-Ḥusayn (1970), *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur’ān*, Beirut: A‘lamī.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (1994), *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān*, edited by Sayyid Fadlullāh Ṭabāṭabā’ī Yazdī and Sayyid Hāshim Rasūlī-Mahallātī, Tehran: Nāṣir Khusruw.

- Tustarī, Sahl b. Abdullāh (2002), *Tafsīr Tustarī*, edited by Muḥammad Bāsil 'Uyūn Sūd, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya and Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī (1970), *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Qum, Daftari Tablighāt-i Islāmī.
- White, E. (1903), *Education*, Mountain View: Pacific Press Publishing Association.
- White, E. (1923), *Fundamentals of Christian Education*, Nashville: Southern Publishing Association.
- White, E. (1915), *Gospel Workers*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1905), *The Ministry of Healing*, Mountain View: Pacific Press Publishing Association.
- White, E. (1890), *Patriarchs and Prophets*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- White, E. (1958), *Selected Messages (vol. 2)*, Washington D.C.: Review and Herald Publishing Association.
- Zamakhsharī, Maḥmūd (1987), *al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq al-Ta'wīl wa Ghawāmid al-Tanzīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.